

نقش اقتصادی زنان در خانواده سنتی ایران: از مدیریت نامرئی تا قدرت سازنده

مقدمه: خانواده ایرانی به مثابه نخستین نهاد اقتصادی

سنت‌نگاری رایج درباره خانواده ایرانی، زن را عمدتاً در محور عاطفی و تربیتی خانه به تصویر می‌کشد و بعد اقتصادی او را به حاشیه می‌راند؛ اما اگر اقتصاد خانواده را به معنای دقیق کلمه – یعنی تولید، تخصیص، مدیریت و حفاظت از منابع محدود در یک واحد معیشتی – بگیریم، خانواده سنتی ایران عملاً یک بنگاه کوچک است که زن ستون فقرات آن بوده است. گزاره اصلی این مقاله آن است که نقش اقتصادی زن ایرانی در خانواده سنتی سه لایه و پیوسته است: تولید ملموس (قالی بافی، صنایع دستی، فرآوری مواد غذایی)، مدیریت نامرئی (بودجه‌ریزی، ذخیره‌سازی، اصلاح الگوی مصرف) و انتقال سرمایه فرهنگی اقتصادی (تربیت نسل بعدی کارگزاران اقتصادی خانواده).

آنچه این نقش را «تکراری» و کلیشه‌ای جلوه داده، توقف در سطح شعار «زن محور خانه است» است؛ در حالی که شواهد پژوهشی نشان می‌دهد بانوان در دو حیطه درآمد و کنترل مصرف خانواده نقشی اساسی دارند و مدیریت امور اقتصادی خانه‌داری – از شناسایی هزینه‌ها تا ایجاد تعادل درآمد و هزینه – یک کفایت

تخصصی مستقل است، نه امری بدیهی و خودکار (مقاله فصلنامه زن و خانواده). در ادامه، هر یک از این سه لایه با اتکا به ادبیات پژوهشی و با تمرکز بر سازوکارها – نه فهرست کردن کلیشه‌ای وظایف – تحلیل می‌شود تا روشن شود چرا حذف سهم اقتصادی زن از محاسبات، تصویر اقتصاد خانوار ایرانی را ناقص و گمراه‌کننده می‌کند.

محسوس‌ترین بخش اقتصاد خانوار: کار بی‌ترازنامه زن ایرانی

سازوکار نخست سهم اقتصادی زن در خانواده سنتی، تولیدی است که در هیچ دفاتر حسابداری ملی ثبت نمی‌شود. در خانوار روستایی و شهری ایران سنتی، زن در واقع «کارخانه کوچک فرآوری» خانه بود: تبدیل گندم به آرد و نان، خشک کردن میوه، تهیه ترشی و مربا و رب، بسته‌بندی و انبارش مواد غذایی برای ماه‌های کم‌بازده سال. از منظر اقتصاد، این فعالیت‌ها دو کارکرد داشتند: نخست، جایگزینی خرید با تولید درون‌خانگی که معادل یک درآمد پنهان برای خانوار بود؛ و دوم، بیمه‌سازی غیررسمی در برابر نوسان قیمت و خشکسالی – سازوکاری که خانواده ایرانی را بدون نهاد بانکی و بیمه رسمی زنده نگه می‌داشت.

دستآورد پژوهشی مهم آن است که این تولید معیشتی، مرز میان «خانه‌دار» و «شاغل» را محو می‌کند. مطالعات کار زنان در اقتصاد روستایی ایران نشان داده‌اند که بخش عمده کار زنان روستایی در قالب فعالیت‌های خانگی شده انجام می‌شود که هم در آمار اشتغال

و هم در محاسبه تولید ناخالص داخلی نادیده گرفته شده است. همین نادیده‌انگاری، پیامدهای سیاستی داشت؛ برای نمونه تحلیل بانک جهانی از اصلاح قانون کار زنان ایران (۲۰۱۶) نشان می‌دهد سیاست‌هایی که زنان را فقط از درِیچه بازار رسمی کار می‌بینند – و هزینه کار خانگی و بچه‌داری را در محاسبه نمی‌آورند – می‌توانند ناخواسته اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان را کاهش دهند و درآمد و هزینه خانوارهای هدف را افت دهند (Chen & Ebadi, 2023). نتیجه تحلیلی روشن است: کار اقتصادی زن در خانواده سنتی نه یک «شغل» بود و نه یک «وظیفه صرفاً خانگی»، بلکه یک زیربنا بود که در صورت غفالت از آن، خود بازار رسمی کار نیز متزلزل می‌شد.

مدیریت منابع و اصلاح الگوی مصرف: قدرت چانه‌زنی درون خانواده

لایه دوم – و شاید کمتر دیده‌شده‌ترین – نقش اقتصادی زن در خانواده سنتی، مدیریت تخصیص منابع است. در خانوار ایرانی، درآمد نقدی عمدتاً از طریق مرد تأمین می‌شد، اما تصمیم درباره اینکه این درآمد «چگونه، کجا و چقدر» خرج شود، در عمل در حوزه زن بود: قیمت‌سنجی در بازار، چانه‌زنی، برنامه‌ریزی غذایی هفتگی، تفکیک خرج ضروری از تجملی، و پس‌انداز پنهان برای موارد اضطراری (جهیزیه، درمان، عروسی). این کارکرد در ادبیات مدیریت اقتصاد خانواده با عنوان‌های «مصرف بهینه»، «شناسایی هزینه‌ها» و «ایجاد تعادل درآمد و هزینه» صورت‌بندی شده است (فصلنامه زن و خانواده).

نکته پرمغز آن است که این مدیریت صرفاً یک «مهارت خانه‌داری» نیست، بلکه سازوکار اثرگذاری بر کل اقتصاد کلان است. از یک‌سو، اصلاح الگوی مصرف خانوار – که در گفتمان سیاستی ایران بارها به آن اشاره شده – در عمل از دل همین تصمیم‌های روزمره زن می‌گذرد: انتخاب کالای ایرانی به جای وارداتی، ترمیم به جای دور انداختن، و کنترل اسراف غذا. از سوی دیگر، پژوهش‌های اقتصاد خرد ایران نشان داده‌اند که توانمندسازی زنان و قدرت چانه‌زنی درون خانواده، ساختار هزینه خانوار را تغییر می‌دهد؛ یعنی وقتی زن کنترل بیشتری بر منابع داشته باشد، سهم خرج برای کالاهای مرتبط با رفاه کودکان و آموزش در الگوی مصرف خانوار بیشتر می‌شود. به بیان دیگر، زن سنتی ایرانی عملاً «وزیر دارایی» خانه بود و کیفیت تصمیم‌های او اثر مستقیم بر سرمایه‌انسانی نسل بعد داشت – پیوندی که هیچ تئوری اقتصادی نمی‌تواند نادیده بگیرد.

ازقالی و تولید خانگی تا سرپرستی اقتصادی: گذار خانواده سنتی

لایه سوم نقش اقتصادی زن در خانواده سنتی، از دل همین دو لایه قبل روییده است: تولید مستقیم درآمد از طریق صنایع دستی و کارهای خانگی‌شده. قالی‌بافی نمونه شاخص آن است – در بسیاری از مناطق ایران، زنان در حاشیه کار روزمره خانه‌داری، فرش می‌بافتند که یا مستقیماً فروخته می‌شد یا به‌عنوان «سرمایه ذخیره» خانواده انبار می‌شد و در زمان نیاز به پول نقد تبدیل می‌گردید. در کنار آن، خیاطی، گلدوزی، شال‌بافی، پرورش کرم

ابریشم، دامداری کوچک و فروش لبنیات خانگی، شبکه‌ای از درآمدهای فرعی را می‌ساخت که استقلال اقتصادی نسبی زن را – بدون شکستن چارچوب خانواده سنتی – تضمین می‌کرد.

اما این ساختار در دهه‌های اخیر دچار گذاری بنیادین شده است. مطالعات دموگرافیک نشان می‌دهند خانواده ایرانی از الگوی سنتی گسترده به الگوهای کوچک‌تر و متنوع‌تر منتقل شده و یکی از نشانه‌های این گذار، رشد پیوسته سهم خانوارهای زن‌سرپرست از ۱۹۸۴ تا سال‌های اخیر است (Bagi, 2024). این تحول، نقش اقتصادی زن را از «مکمل» به «تأمین‌کننده اصلی معیشت» ارتقا داده است؛ یعنی همان مهارت‌های مدیریت منابع و تولید خانگی که در بستر سنتی شکل گرفته بود، امروز به صورت اشتغال رسمی، کار مستقل و سرپرستی اقتصادی خانوار بازتعریف می‌شود. نکته‌ای که اغلب از آن غفلت می‌شود این است که این گذار، میراث اقتصادی زنان سنتی را بیاعتبار نمی‌کند، بلکه همان سرمایه دانشی – احتیاط مالی، تنوع‌بخشی به منابع درآمد، و اتکا به شبکه خویشاوندی – را در قالبی نو به خانوار ایرانی منتقل می‌سازد.

جمع‌بندی: بازتعریف نقش اقتصادی زن در چارچوب هویت ایرانی اسلامی

اگر بخواهیم سه لایه تحلیل‌شده را در یک صورت‌بندی واحد فشرده کنیم، حاصل آن است که زن در خانواده سنتی ایران، هم‌زمان سه نقش اقتصادی داشت که هیچ‌کدام در آمار رسمی ثبت نمی‌شد: تولیدکننده (کار خانگی و صنایع دستی)، مدیر (تخصیص

و کنترل منابع و اصلاح الگوی مصرف) و بیمه‌گر غیررسمی (ذخیره‌سازی و شبکه حمایتی در برابر ریسک). حذف هر یک از این نقش‌ها از محاسبات، تصویر اقتصاد خانوار ایرانی را به‌طور سیستماتیک مخدوش می‌کند.

از منظر هویت ایرانی‌اسلامی، این تحلیل با نگاهی که زن را تنها به‌عنوان مصرف‌کننده یا عنصر عاطفی خانه می‌بیند تفاوت بنیادین دارد. در منظر دینی، مدیریت اقتصاد خانه یک «امانت» و کفایت است؛ منابعی چون آثار مرتضی مطهری درباره نظام حقوق زن و ادبیات الگوی مصرف قرآنی نشان می‌دهند که سنت فکری اسلامی، قنوت و قناعت و پرهیز از اسراف را فضیلتی هم‌عرض با کسب درآمد می‌داند و همین چارچوب، جایگاه زن را به‌عنوان مدیر و ناظر منابع خانواده مشروعیت می‌بخشد. تصویر واقع‌بینانه آن است که زن سنتی ایرانی نه قربانی صرف ساختار خانواده بود و نه بیرون از چرخه اقتصاد ایستاده بود، بلکه در دل همان ساختار، شبکه‌ای از قدرت اقتصادی خاموش ولی کارآمد ساخته بود که پایداری خانواده ایرانی را در طول قرن‌ها تضمین کرد. بازشناسی صادقانه این میراث، هم ادبیات توسعه را از دید یک‌بعدی «اشتغال رسمی» می‌رهاند و هم برای سیاست‌گذاری امروز، الگویی بومی از توانمندسازی زنان فراهم می‌آورد که نه با هویت خانواده در تعارض است و نه با ضرورت توسعه اقتصادی.

منابع

۱. مقاله «مدیریت زنان در اقتصاد خانواده»، فصلنامه زن و

۲. Chen, M. X., & Ebadi, E. (2023). *Good from Far, Far from Good: The Impacts of the 2016 Female Labor Reform in Iran*. World Bank — پیوند مقاله

۳. Bagi, M. (2024). *From tradition to transition: historical trends and projection of female-headed households in Iran*. China Population and Development Studies — پیوند مقاله

A detailed and artistic historical portrait of a -2)

نقش و کارکرد اقتصادی زنان در خانواده و جامعه‌ی سنتی ایران: از تدبیر منزل تا بازتولید ثروت

چکیده

در تاریخ‌نگاری‌های رایج اقتصادی، نقش زنان در زیست‌بوم‌های سنتی ایران غالباً ذیل مفاهیم کلی «خانه‌داری» یا «مصرف‌کنندگی» تقلیل یافته و کنشگری مولد و ساختاریافته‌ی آنان نادیده انگاشته شده است. با این حال، واکاوی جامعه‌شناختی

و اقتصادی ساختار خانواده در ایران پیشامدرن نشان می‌دهد که نهاد خانواده نه صرفاً یک واحد عاطفی-زیستی، بلکه «واحد پایه‌ی تولید و بازتولید اقتصادی» بوده و زن در کانون این شبکه، هم‌زمان نقش مدیر زنجیره تأمین، نیروی کار تخصصی در صنایع دستی و کشاورزی، تنظیم‌کننده موازنه‌ی مصرف و پس‌انداز، و ضامن امنیت معیشتی خانوار در روزهای بحران را ایفا می‌کرده است. هدف این مقاله، تبیین ابعاد گوناگون کارکردهای اقتصادی زنان در بافت سنتی ایران (روستایی، عشایری و شهری) بر پایه‌ی الگوهای بومی تدبیر منزل و اقتصاد معیشتی است.

بخش اول: تدبیر منزل و اقتصاد خرد خانواده سنتی

در تفکر سنتی ایرانی-اسلامی، مفهوم «تدبیر منزل» فراتر از رفت‌ووروب و پخت‌وپز روزمره و در واقع شاخه‌ای از حکمت عملی به شمار می‌رفت که وظیفه‌ی اداره‌ی امور مالی، موازنه‌ی دخل و خرج و بهینه‌سازی منابع محدود خانوار را بر عهده داشت.

۱. مدیریت زنجیره‌ی تأمین و امنیت غذایی خانوار

در جامعه‌ای که دسترسی به بازارهای متمرکز محدود و جریان کالاها فصلی و وابسته به اقلیم بود، زنان متولی اصلی فرآوری، نگهداری و انبارش ذخایر غذایی برای کل سال بودند.

- **تبدیل مواد خام به فرآورده‌های بادوام:** تبدیل شیر تازه به کره، روغن حیوانی، کشک، قره‌قروت و پنیر؛ خشک‌کردن انواع میوه‌ها و سبزیجات؛ پخت نان‌های ماندگار؛ و تهیه‌ی آرد و ترشیجات از مهارت‌هایی بود که ارزش افزوده‌ای کلان به محصولات کشاورزی و دامی خام می‌بخشید.
- **به صفر رساندن ضایعات غذایی:** در الگوی مصرف سنتی به رهبری زنان، هیچ ماده‌ای دور ریخته نمی‌شد؛ پس‌مانده‌های غذایی به خوراک دام و طیور خانگی تبدیل می‌شد و چرخه‌ی بسته‌ی اقتصادی درون حیات خانه تکمیل می‌گردید.

۲. مدیریت تخصیص منابع و موازنه‌ی دخل و خرج

مرد معمولاً تأمین‌کننده‌ی درآمد خام یا محصولات عمده‌ی سر مزرعه و بازار بود، اما توزیع هوشمندانه، زمان‌بندی مصرف و جلوگیری از شوک‌های گرسنگی در فصول سرد و خشک‌سالی‌ها تماماً بر عهده‌ی مادر یا بانوی ارشد خانه قرار داشت.

text

▼ | [درآمد/محصول خام حاصل از کار بیرونی مرد]

۱ | هسته‌ی مدیریتی زن (تدبیر منزل) |

۲ | فرآوری مواد و ایجاد ارزش افزوده | •

بخش دوم: زنان به مثابه تولیدکنندگان مستقیم در بخش‌های سه‌گانه‌ی اقتصاد

۱. زیست‌بوم عشایری: زنان به عنوان ستون خیمه‌ی تولید

در ساختار ایلیاتی و عشایری ایران (نظیر قشقایی، بختیاری، شاهسون، بلوچ و کرد)، تمایز سخت‌گیرانه‌ای میان فضای خانگی و فضای کار اقتصادی وجود نداشت و اقتصاد کوچ بدون حضور زن ناممکن بود:

- دوشیدن دام و استحصال فرآورده‌های دامی: تمام چرخه لبنیات که شریان مالی ایل بود، در اختیار زنان قرار داشت.
- پشم‌چینی، پشم‌ریسی و رنگ‌رزی: آماده‌سازی مواد اولیه برای منسوجات، سیاه‌چادربافی و دست‌بافته‌های نفیس.
- بافندگی ابزارهای ترابری و زیست: بافت خورجین، جوال، نمک‌دان، جل اسب و چادرها که کالاهای سرمایه‌ای زندگی

۲. زیست‌بوم روستایی: پیوند ناگسستنی با کشت و زرع

در روستاها، زن نه تنها خانه را سامان می‌داد، بلکه دوشادوش مرد در چرخه زراعت و باغداری شرکت فعال داشت:

- نشاکاری و وجین در شالیزارهای شمال، چیدن پنبه، برداشت سبزیجات و زعفران، و فراوری محصولات باغی (مثل کشمش و لواشک).
- پرورش ماکیان و دام‌های سبک خانگی که علاوه بر تأمین پروتئین خانوار، منبع درآمد نقدی خرد و فوری برای زن به شمار می‌رفت.

۳. زیست‌بوم شهری: کارگاه‌های خانگی و صنایع ظریفه

در بافت سنتی شهرهای ایران، به دلیل ساختار مذهبی و حفظ حریم عفاف، فعالیت اقتصادی زنان شکل کارگاهی درون‌خانه‌ای به خود می‌گرفت:

- قالی‌بافی و گلیم‌بافی: دار قالی در اندرونی خانه، بزرگ‌ترین

بنگاه تولید ثروت و ارزآوری صادراتی یا دادوستد شهری بود.

- سوزن دوزی، گلابتون دوزی، ترمه بافی و چرخ کاری: مهارت‌های بسیار پرظرافت که ارزش بازاری بالایی داشت و اغلب مستقیماً توسط دلالان یا همسران در بازار به فروش می‌رفت.

بخش سوم: دارایی، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز پنهان زنانه

۱. نهادهای مالی بومی زنانه و پس‌انداز طلا و زیورآلات

در نظام حقوقی و سنتی ایران، دارایی زن (مهریه، شیربها، نفقه، ارث و دسترنج شخصی) استقلال کاملی از اموال شوهر داشت. زنان طلا و مسکوکات را نه صرفاً به عنوان زینت، بلکه به عنوان «پشتوانه‌ی نقدینگی مطمئن و ضدتورمی» برای خانواده جمع‌آوری می‌کردند:

- در هنگام بحران‌هایی چون ورشکستگی تجاری مرد، بیماری سخت، قحطی، یا خرید زمین و دام جدید، این دارایی‌های زنانه بود که به کار می‌آمد و نجات‌بخش معیشت خانواده می‌شد.

۲. صندوق‌های خرد و همیاری‌های سنتی (واره و

دوش‌واره)

یکی از پیشرفته‌ترین جلوه‌های عقلانیت جمعی زنان در اقتصاد سنتی، سنت «واره» (Vareh) در مناطق روستایی بود:

- زنان شیر دام‌های خود را به نوبت به یک خانواده واگذار می‌کردند تا آن خانواده حجم بزرگی از کره و روغن تولید کرده و بتواند با مقیاس اقتصادی به بازار عرضه کند یا سهم سالانه خود را ذخیره سازد. این روش، نوعی بانکداری تعاونی شیر و پس‌انداز مشارکتی به شمار می‌رفت.

بخش چهارم: بازتولید نیروی کار و انتقال دانش بومی

اقتصاددانان معاصر، کارکرد بازتولیدی خانه را ارزشمندترین بخش نامرئی اقتصاد می‌دانند. زنان در ایران سنتی:

- پرورش نیروی کار ماهر: آموزش نسل جدید دختران و پسران در مهارت‌های تولیدی (کشاورزی، ریسندگی، قالی‌بافی و دامداری).
- سلامت و طب سنتی خانگی: کاهش هزینه‌های درمان از طریق شناخت خواص گیاهان دارویی و تدابیر بهداشتی بومی، که از خروج منابع مالی از خانواده جلوگیری می‌کرد.

نتیجه‌گیری

حوزه کنشگری کارکرد سنتی زنان پیامد مستقیم اقتصادیت‌پذیر منزل‌فرآوری و انبارش مواد، صفر کردن ضایعات تثبیت امنیت غذایی و کاهش مخارج مصرفی صنایع دستپیش‌م‌ریسی، قالی‌بافی، سوزن‌دوزیتولید دارایی سرمایه‌ای و ورود نقدینگی به خانهدامداری و زراعت‌دوشیدن دام، نشاکاری، فرآوری لبنیات تکمیل زنجیره تولید در روستا و ایل سرمایه و پس‌انداز حفظ طلا، تعاون سنتی «واره» ایجاد شبکه ایمنی در برابر شوک‌های معیشتی

زن در منظومه‌ی سنتی ایران، مدیر مقتدر و پایه‌ی موازنه‌ی اقتصادی خانه بود؛ جایگاهی که هم با عفاف، حیا و پوشش اسلامی او آمیخته بود و هم نقشی بنیادین در پایداری مالی و تولید ثروت در سراسر تاریخ تمدن ایران ایفا می‌کرد.

تبلیغات در گپ جی‌پی‌تی‌ا

اسپانسر: تامین سرمایه لوتوس پارسیانبا "ثروتم" بیشترین سود را از رشد بازار سهام ببرید کلیک کنید
*تبلیغات تأثیری در پاسخ‌های تولید شده توسط هوش مصنوعی ندارد.

